توافق فقرات روایت داود رقی با معنای خلوص در مادهˆ¬ی «سلم»

- «سالم» ای‌آوری عده و میثاق

«سلام» ادای وآوری عهد و میثاق

برای جلسه‌ی بعدی، این دو آدرس را مراجعه کنید. مرآة العقول جلد پنجم، صفحه دویست و شصت و هشت و کتاب وافی، جلد چهارده. در این چند دقیقه‌ای که مانده است، من روایت را نقل کنم. این روایت در کافی شریف است:

> «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّهُ وَ ابْنَتَهُ وَ ابْنَيْهِ وَ جَمِيعَ الْأَئِمَّةِ وَ خَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَ أَنْ يَصْبِرُوا وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَرَمَ الْآمِنَ وَ أَنْ يُزَلِّلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ يُظْهِرَ لَهُمُ السَّقْفَ الْمَرْفُوعَ وَ يُرِيحَهُمْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ الْأَرْضِ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللَّهُ مِنَ السَّلَامِ وَ يُسَلِّمُ مَا فِيهَا لَهُمْ الشَّيَ فِيهَا قَالَ لَا خُصُومَةَ فِيهَا لِعَدُوِّهِمْ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِيهَا مَا يُحِبُّونَ وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى جَمِيعِ الْأَئِمَّةِ وَ شِيعَتِهِمُ الْمِيثَاقَ بِذَلِكَ وَ إِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ تَذْكِرَةُ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيدٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ لِعَلَّهُ أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ يُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ بِجَمِيعِ مَا فِيهِ»[1].

«عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّي»؛ در زبان ما رقی بود که تذکر دادند، رَقی است. واقعاً سلام خدا و درود خدا بر این داود که از امام علیه‌السلام این سؤال را کرد. این کلمات مبارک از امام علیه‌السلام، صادر شد. همچنین درود خدا بر مرحوم کلینی که این را برای ما باقی گذاشتند.

این حدیث، با مطالبی که در مورد لغت «سلام» گفتیم، توافق تام دارد. اگر بگویند یک روایتی بگویید که متمحض در روایت تفسیری است، به‌معنای این‌که تفسیر یک آیه را نمی‌گوید، تفسیر آیاتی را در سلک و نظم حقیقی درآورده است، می‌گوییم این حدیث است. یعنی واقعاً این حدیث یک چیز کمی نیست. لذا گفتم اگر کل دنیا برای کسی باشد و بخواهد این حدیث را بخرد، یک میلیاردم بهای واقعی این حدیث، با کل دنیا هنوز برابری نمی‌کند. این قدر مضمون این حدیث شریف بلند است.

اصل عبارت را مروری داشته باشیم، تا شما شروحش را ببینید.

«قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ»؛ به ما یاد دادند. در آیه‌ی شریفه هم بود: «و سلّموا تسلیما»؛ این «سلّموا» یعنی من در مقابل پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله سلم و تسلیم هستم؟ ای من، «سلّموا تسلیما» یعنی بر حضرت سلام بفرستید؟ در روایات دارد که «سلّموا»، یعنی تسلیم باشید. حرفی نیست. ولی آیا در آیه‌ی شریفه نمی‌توانیم «سلّموا» را به‌معنای «السلام علی رسول اللّه» معنا کنیم؟! می‌گویید نه، چون «علی» ندارد. سلام به‌معنای تحیت و درود «علی» می‌خواهد. در این آیه که ندارد. «سلّموا تسلیما» دارد. «سلّموا تسلیما» یعنی تسلیم باشید. نه این‌که «سلّموا علیه تسلیما». چون «علیه» نیست، پس در این آیه شریفه نمی‌توانیم «سلام» را به‌معنای درود و تحیت و... بگیریم! نه، این حرف درست نیست. چون قبلش «علی» دارد و همان کافی است. «یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیما». وقتی پشت سر «صلّوا علیه»، «سلّموا تسلیما» می‌آید یعنی همان «سلّموا

علیه». بنابراین خود آیه‌ی شریفه، تاب این‌که به‌معنای «السلام علی رسول اللّه» باشد را دارد. این مشکلی نیست. کما این‌که روایتی که می‌گوید تسلیم باشید هم، مانعی ندارد. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»[2]. با بحث‌هایی که امروز داشتیم، اگر بخواهید زیر کلمه‌ی «حرج»، کلمه‌ای بگذارید، چه می‌گذارید؟

شاگرد: «شبهة».

استاد: احسنت. ببینید چقدر زیبا است. «لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا»، نفسی که مقابل فرمایش حضرت صلّی اللّه علیه و آله، سلم نیست و در آن حرج است، یعنی «شبهة» دارد. یعنی یک دستی و خلوص و تسلیم را ندارد. «وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ دلش آرام است.

چیزهایی که مربوط به بحث امروز است را در روایت اشاره می‌کنم.

یکی این‌که وقتی خداوند همه را خلق کرد و میثاق را از آن‌ها گرفت و عده کرد که صبر و مصابره و مرابطه و تقوا داشته باشند، می‌فرماید: **«وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ الْمُبارَكَةَ»**؛ درست است که حضرت علیه السلام ارض مبارکه را مطرح کردند اما «یسلّم». تسلیم الارض به چه معنا است؟ یعنی زمین را به آن‌ها بدهد؟! یا بیش از دادن است؟ یعنی زمین را سلم کند. این یکی. مورد بعدی:

«وَالْحَرَمَ الْآمِنَ»؛ کلمه‌ی «امن». کلمه‌ی «مبارک» و «امن» با تعبیر «سلم» مرتبط است.

«وَيُرِيحَهُمْ مِنْ عَدُوِّهِمْ»؛ «عدو» هم با «سلم»ی که مرحوم مصطفوی فرمودند، مناسب است.

«وَالْأَرْضِ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللّهُ مِنَ السَّلامِ»؛ در اینجا به اصل معنای «سلام» رسیدیم.

«وَيُسَلِّمُ لَهَا فِيهَا الْمُلْكَ فِيهَا»؛ ببینید چه زیبا است!

«قالَ لَا خُصُومَةَ فِيهَا لِعَدُوِّهِمْ»؛ خصومت و عدو، کاملاً مناسب معنایی است که در التحقیق فرمودند.

«... إِنَّمَا السَّلامُ عَلَيْهِ تَذْكُرَةُ نَفْسِ الْمِيثاقِ»؛ این تمام شدنش چقدر زیبا است! یکی چیزهایی شده است، این‌که ما مدام سلام می‌دهیم به «السلام علیکم، السلام علی رسول اللّه، السلام علیک ای اباعبداللّه» داریم می‌گوییم ما یادمان نرفته است. این سلام یادآوری آن معاهده و میثاق است. خدا از ما یک عهدی گرفته و یک ضمانتی کرده است. «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»[3]. چقدر حاج آقا این را می‌خواندند! یک عهدی در کار بوده است، به آن وفا کنید، من هم با شما در جریان بودم، لذا من هم به عهد شما وفا می‌کنم. این سلامی که این قدر تکرار می‌کنیم، یادآوری آن است. به قدر و قیمت در می‌آید؟! این تذکر آخرش و کاربردی بودنش، با سه-چهار سطر قبلش دنیایی از معارف قرآنی دارد. ببینید می‌فرماید: «ینزل لهم البیت المعمور»، شما به این جمله فکر کنید؛ اصلاً این به قدر و قیمت در می‌آید؟! من سال‌ها این را دیده‌ام، گفتم خدا رحمت کند داود رقی را اما برای من اتمام حجت شده است. ان شاءاللّه شما مثل من رفتار نکنید، کلمات این حدیث شریف را بروید و برگردید و فکر کنید. من هر بار سلام می‌دهم به یاد این حدیث نیستم، اما شما طوری باشید که هر بار سلام می‌دهید و زیارت می‌روید، به یاد این حدیث شریف کافی باشید. حیف است! کفران نعمت است.

شاگرد: در استلام حجر الاسود هم همین را داریم.

استاد: بله، وقتی خدای متعال میثاق را گرفت، همه را در حجر الاسود گذاشت. وقتی رو به حجر میرسد، میگوید: «انا علی العهد».

و الحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

---

[1]. شیخ کلینی، الکافی (الاسلامیة)، ج ۱، ص ۴۵۱.

[2]. النساء، آیهی ۶۵.

[3]. البقرة، آیهی۴۰.